

Unit 24 book 3

چمدان

چمدان مجموعه کیف هایی است که افراد هنگام سفر با خود می برند.
من در تعطیلات چندین قطعه چمدان با خودم می برم.

لامپ

لامپ قسمت شیشه ای یک چراغ الکتریکی است.
مجبور شدم لامپ اتاق خوابم را عوض کنم.

بسته

بسته تعدادی چیز است که بهم گره خورده اند.
من شوکه شدم وقتی او بسته ی پول را به من نشان داد.

گاو

گله گروهی از گاوها هستند به خصوص در مزرعه.
گاوهای دامدار مشغول خوردن علف های مزرعه بودند.

فرار کردن

فرار یعنی دور شدن از دردسر یا خطر.
جمعیت مردان سعی کردند از خطر فرار کنند.

چریدن

چریدن یعنی چمن خوردن.
گاوها در مزرعه چرا می کردند.

طمع

حرص و آز ، تمایل به داشتن بیش از چیزهایی است که شما نیاز دارید.
او از روی طمع تمام کوکی ها را خورد.

گله

گله گروه بزرگی از همان نوع حیوانات است که با هم زندگی می کنند.
گله گاوها به آرامی از طریق مزرعه حرکت کردند.

آغاز کردن

آغاز کردن چیزی به معنای شروع آن است.
برای شروع سیستم رایانه ای باید سوئیچ را روشن کنید.

مسیر

مسیر یک جاده کوچک است.
این مسیر مستقیماً از مقابل خانه ما عبور می کند.

دلآوری

دلآوری ، شجاعت یا اعتقاد به این است که شما می توانید کاری انجام دهید.

او شجاع است که فکر می کند در واقع می تواند با شیر کشتی بگیرد.

خوش بین

خوش بین کسی است که قسمتهای خوب یک موقعیت را ببیند.
حتی اگر او مشکلات جسمی داشته باشد ، برادرم خوش بین است.

رژه

رژه ، جشنی است که گروههایی از مردم در یک جهت حرکت می کنند.
در رژه بهار گروههای راهپیمایی زیادی حضور داشتند.

سنگفرش

سنگفرش کردن زمین به معنای گذاشتن مواد بر روی آن است تا راه رفتن یا رانندگی راحت تر شود.
مسیر با آجرهای زرد رنگ آسفالت شد.

شبح

شبح یک روح است.
یک شبح ترسناک از تاریکی ظاهر شد.

قابل حمل

چیزی که قابل حمل باشد ، به راحتی قابل جابجایی یا حمل است.
از آنجا که رایانه ها قابل حمل هستند ، مردم می توانند از آنها در هر مکان استفاده کنند.

پوستر

پوستر یک اعلامیه کتبی است که برای تبلیغ چیزی استفاده می شود.
من یک پوستر در مورد یک کنسرت رایگان در پارک دیدم.

خاراندن

خاداندن این است که با پنجه یا ناخن برش های کوچک ایجاد کنید.
من از چوب استفاده کردم تا کمرم را بخارانم.

سمفونی

سمفونی قطعه ای طولانی از موسیقی است که توسط بسیاری از نوازندگان اجرا می شود.
الکس ، نوازنده ویولن ، همیشه آرزو داشت که یک سمفونی بنوازد.

بیوه

بیوه زنی است که شوهرش فوت کرده است.
بیوه فرزندی نداشت و بسیار تنها بود.

نوازندگان شهر برمن

لاری گاو ، هری خروس و لستر اردک در مزرعه بیوه زندگی می کردند. آنها آرزو داشتند که در یک رژه موسیقی پخش کنند.

روزی زن بیوه به چمن زنی رفت که گله گاوهاش در آنجا چرا می کرد. وی با اشاره به لاری گفت: "من فردا او را خواهم خورد."

لری می خواست فرار کند ، اما شجاعت تنها رفتن را نداشت. سپس دوستانش لستر و هری پوستری را به او نشان دادند.

"این برای رژه در برمن است. ما با شما خواهیم رفت ، و می توانیم سمفونی خود را در آنجا اجرا کنیم "، لستر گفت.

حیوانات بسته کوچکی را درست کردند که در آن یک طبل ، فلوت و میکروفون قابل حمل قرار داشت ، کنار هم قرار دادند. سپس آنها چمدان های خود را برداشتند و سفر طولانی خود را آغاز کردند.

آنها تمام روز از یک خط آسفalte می گذشتند. آن شب ، آنها به پنجره یک خانه نگاه کردند. آنها گروهی از سارقان را دیدند. آنها مشغول خوردن یک شام بزرگ بودند و در مورد حرص و طمع خود و افرادی که از آنها سرقت می کردند داستان تعریف می کردند.

لستر خوش بین بود. او گفت ، "من فکر می کنم ما می توانیم آنها را بترسانیم!"

به زودی ، حیوانات با طرحی روبرو شدند. هری پرواز کرد داخل و چراغ را زد. " آن چه بود؟" با شکستن لامپ یک دزد فریاد زد. آنها اکنون به سختی می توانستند ببینند.

سپس لری دو پا ایستاد و لستر به بالای سرش پرواز کرد. آنها بسیار بزرگ به نظر می رسیدند. هر سه این حیوانات صداهای ترسناکی ایجاد کردند. سارقان سعی کردند حیوانات را بزنند. اما هری از روی آنها پرواز کرد و آنها را خراشید.

"این یک شبخ است!" یک دزد داد زد.

سارقان فرار کردند. حیوانات غذا خوردند و استراحت کردند. صبح روز بعد ، لری گفت: "چرا به برمن برویم؟ ما می توانیم اینجا بمانیم و موسیقی بسازیم!" و بنابراین آنها آنجا ماندند و کاملاً خوشحال شدند.